

روش شناسی تدوین مراحل مطلوب توسعه اقتصادی براساس گفتمان قرآنی

عبدالخالق کریمی^۱

چکیده

تبیین توسعه اقتصادی مطلوب نقش اساسی در تنظیم برنامه‌های اقتصادی یک جامعه ایفا می‌کند. از نگاه روش شناسانه، تبیین توسعه اقتصادی مطلوب مستلزم طی پنج مرحله؛ مفهوم شناسی، مفهوم سازی، تبیین عوامل، تبیین موانع و آسیب شناسی توسعه اقتصادی مطلوب می باشد. در این مقاله با تمرکز برگفتمان قرآنی، این فرضیه را مطرح می‌کنیم که پذیرش مفهوم قرآنی توسعه اقتصادی مطلوب، موجب ایجاد تحولی اساسی در تدوین سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌های کلان اقتصادی جامعه اسلامی می‌گردد. بر اساس گفتمان قرآنی، توسعه اقتصادی مطلوب در جوامع انسانی به مفهوم رشد اقتصادی برای دستیابی به زندگی پاکیزه (حیات طیبه) در سرزمین پاک (بلده طیبه) و آباد (عمران) است. عوامل مادی؛ کار، سرمایه، منابع طبیعی و عوامل معنوی همانند؛ تقوا، توکل، عمل صالح، شکر گزاری، استغفار و انفاق در رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب دخیل می‌باشد. فسق، اعراض از خداوند، کفر و شرک، ظلم، ربا، اسراف و کفران نعمت‌های الهی به عنوان موانع توسعه اقتصادی مطلوب مورد اشاره قرآن کریم می‌باشد. و در آسیب شناسی آن می‌توان به رفاه زدگی، غرورکاذب، طغیان و فخر فروشی با ثروت اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، کار، سرمایه، منابع طبیعی، تقوا، شکر، حیات طیبه، ربا، گفتمان قرآنی

^۱ دانش‌پژوه دکتری قرآن و اقتصاد، جامعه المصطفی العالمیه - Abkarimi58@gmail.com

مقدمه

روش‌شناسی به عنوان یک نگاه از بالا بر ساختار کلی و نقشه راه و بررسی مراحل پژوهش در ادبیات پژوهشی و تحقیقاتی امروز جایگاه مهمی دارد. روش‌شناسی به معنی علم درجه دوم به یک پدیده موجود اجتماعی یا اقتصادی (مثل توسعه اقتصادی) و یا یک علم از علوم تجربی و انسانی (مثل اقتصاد یا اقتصاد اسلامی) می‌تواند مطرح باشد.

اما اصطلاح شایع از روش‌شناسی (Methodology) عموماً به تحقیق در مفاهیم، تئوریها و اصول استدلالی یک علم اطلاق می‌شود، مارک بلاگ با یک چنین برداشتی از روش‌شناسی سعی می‌کند به این پرسش اساسی پاسخ دهد که اقتصاددانان چگونه توضیح می‌دهند؟ یعنی فرایند علمی توضیح مسائل مطرحه در اقتصاد چگونه است (مارک بلاگ، ۱۳۷۷، ص ۷۹-۹۸).

با نگاهی به فرایند شکل‌گیری ادبیات توسعه در میان اقتصاددانان به این نتیجه می‌رسیم که آنان در ابتدا به جنبه‌های کمی رشد و توسعه توجه داشتند و تولید ناخالص ملی (Gross National Product: GNP) به عنوان معیاری برای سنجش میزان پیشرفت کشورها تلقی می‌شد. براین اساس کشوری پیشرفته‌تر است که در طول یک سال کالاها و خدمات بیشتری تولید کند. اگر این ادعا را بپذیریم که مفهوم اسلامی توسعه اقتصادی از مفهوم متعارف رشد و توسعه اقتصادی متمایز است؛ تبیین این مفهوم نیازمند بررسی مفهومی و بر اساس شرایط ساختاری اسلامی و قرآنی می‌باشد.

با توجه به آیات قرآن کریم، تبیین عوامل و موانع رسیدن به توسعه اقتصادی را می‌توان بر اساس این موضوع، بررسی نمود. اما به طور کلی روش‌شناسی یک پدیده‌ای مثل توسعه اقتصادی از گفتمان قرآنی ادبیات خاص خودش را می‌طلبد. در این مقاله با تمرکز بر گفتمان قرآنی، این سوال را مطرح می‌کنیم که مفهوم قرآنی توسعه اقتصادی، بر چه معیارهایی استوار است و عوامل و موانع آن کدامند؟

پیشینه تحقیق

پیشینه بحث این مقاله در دو حوزه «روش‌شناسی» و بحث «توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلامی» مطرح می‌باشد. در حوزه بحث روش‌شناسی، توکلی (۱۳۹۰) در مقاله «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی» را بیان کرده است (توکلی، ۱۳۹۰، ش ۳، ص ۳۱). از نگاه روش‌شناسانه، تدوین شاخص یکپارچه توسعه و پیشرفت را مستلزم طی چهار مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارها، طراحی نماگرها و یکپارچه‌سازی آنها دانسته است. در این مقاله با تمرکز بر گفتمان قرآنی، این فرضیه را مطرح نموده که پذیرش مفهوم قرآنی توسعه و پیشرفت، موجب ایجاد تحولی اساسی در تدوین معیارها و همچنین شاخص آن می‌شود. سپس با مفهوم‌سازی از توسعه بر اساس کلام وحی، مولفه‌های آنها را بیان کرده است.

در حوزه پیشینه بحث «توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلامی» با توجه به موضوع بین‌رشته‌ای بحث،

هرچند اقتصاددانان این موضوع را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند، اما از دیدگاه قرآنی و اسلامی کمتر مورد تحقیق جدی قرار گرفته است. ری شهری «توسعه اقتصادی در قرآن و سنت» تنها به فهرست کردن برخی آیات و روایات بدون هیچ تحلیل و تفسیری اقدام کرده است.

همچنین محمد جمال خلیلیان، با عنوان «فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی» نیز بحث رابطه سازگاری و ناسازگاری فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی را بحث کرده است (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۳۲). هم‌چنین در رساله شناسایی برخی از شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، به بُعد اقتصادی حیات معقول یا به تعبیر قرآن حیات طیبه، در سه زمینه تولید، توزیع و مصرف اشاره کرده و برخی از شاخص‌های توسعه اقتصادی را مستند به نظر اسلام مورد بررسی قرار داده است. پنج شاخص اصلی: ۱- میزان توسعه نیروی انسانی ۲- میزان استفاده بهینه از عوامل و منابع تولید ۳- میزان هماهنگی سطح مصرف و رفاه جامعه با وضع عمومی اقتصاد ۴- میزان حساسیت افراد جامعه نسبت به منافع ملی ۵- میزان موفقیت در رفع فقر و ایجاد رفاه نسبی را بیان کرده است. در کتاب معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام (محمد جمال خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۳) نیز مبانی و معیارهای پیشرفت و توسعه انسانی از دیدگاه اسلام و غرب را مطرح کرده است. در این کتاب به بحث پیشرفت و توسعه انسانی و حیات طیبه، مبانی نظری، اهداف و پیامدهای پیشرفت و توسعه انسانی اسلام و غرب، مبانی نظری توسعه انسانی از دیدگاه غرب، اهداف توسعه انسانی از دیدگاه غرب و پیامدهای توسعه انسانی از دیدگاه غرب، مبانی نظری پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، معیارهای پیشرفت اسلام از دیدگاه اسلام، شاخص‌ها و نماگرهای معیار دینداری را مورد بحث قرار می‌دهند و در انتها نیز پیوست‌های مهمی مانند نماگرهای اعتقاد به عدل الهی، نماگرهای اعتقاد به نبوت و... را تبیین می‌کند.

سید کاظم رجایی در مقاله «توسعه به عنوان هدف، نگرش قرآنی»، «حیات طیبه» را به عنوان معادل قرآنی مفهوم توسعه معرفی می‌کند. و با استناد به تفاسیر مختلف قرآن، مفاهیم متعددی از حیات طیبه، از جمله روزی حلال، قناعت به روزی، عبادت همراه با روزی حلال، توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن را بر می‌شمارد. بنا به استدلال ایشان، قرآن راه رسیدن به زندگی پاکیزه را عمل صالح و شرط آن را ایمان ذکر می‌کند (رجایی، ۱۳۷۸، ش ۲۸، ص ۳۳).

ما در این مقاله با استفاده از روش شناسی به کارگرفته شده در مقاله توکلی (۱۳۹۰)، روش شناسی تدوین نگاه قرآنی به توسعه اقتصادی را در قالب بیان مراحل آن، اشاره کرده و دیدگاه کلی آیات قرآن در مورد معیارها، عوامل و موانع توسعه اقتصادی تبیین گردیده است.

تدوین مراحل مطلوب توسعه اقتصادی براساس گفتمان قرآنی

از نگاه روش‌شناسانه، تدوین مراحل مطلوب توسعه اقتصادی براساس گفتمان قرآنی، مستلزم طی نمودن پنج مرحله؛ مفهوم‌شناسی، مفهوم‌سازی، استخراج عوامل و موانع و آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی می‌باشد.

از دیدگاه روش‌شناختی تدوین نگاه قرآنی یک موضوع خاص، بحث «مفهوم‌شناسی» با «مفهوم‌سازی» آن موضوع متفاوت می‌باشد، تدوین نگاه قرآنی در این مرحله را می‌توان به عنوان یک پارادایم و اساس کلی آن موضوع برای تبیین ساختار کلی بحث ارائه کرد.

مرحله مفهوم‌سازی معمولاً بعد از مفهوم‌شناسی آن موضوع در ادبیات مصطلح آن موضوع مطرح می‌باشد. به‌عنوان نمونه مفهوم‌شناسی توسعه اقتصادی با توجه به منابع معتبر علم اقتصاد و دیدگاه‌های اقتصاددانان در این زمینه مطرح می‌باشد؛ لیکن مفهوم‌سازی توسعه اقتصادی از نگاه قرآنی مبتنی بر مقوله‌های اساسی و اهداف و نوع نگاه قرآنی به این موضوع می‌باشد.

مرحله اول: مفهوم‌شناسی توسعه اقتصادی

در زمان حاضر در کتب تخصصی مربوط به بحث توسعه، رشد و توسعه اقتصادی می‌توان تفکیک کلی این دو مقوله را مطرح کرد، توسعه به عنوان یک بحث عام و کلی و ایجاد تغییر و تحول مثبت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت، که بحث بهبود در توزیع رفاه مادی به عنوان معیار یک امر اجتماعی و ناظر به کیفیت عادلانه توزیع منابع، در کنار پیشرفت اقتصادی و افزایش درآمد سرانه مطرح باشد.^۲

رشد و توسعه، دو مفهوم متفاوت، ولی مرتبط به هم هستند، مفهوم توسعه نسبت به مفهوم رشد اقتصادی جامع‌تر می‌باشد (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۲۲). در تعاریف اولیه اقتصاددانان توسعه به عنوان رشد سطح محصولات تفسیر شده و راهبرد رسیدن به آن را نیز دامن زدن به تولید، پس انداز و مصرف تلقی گردید و توسعه به عنوان نتیجه رشد کمی و افزایش سطح محصولات در قالب تولید ناخالص ملی تبلور یافت.

بر این اساس توسعه اقتصادی را به عنوان یک فرایند صرفاً اقتصادی و به مثابه رشد اقتصادی می‌توان در نظر گرفت، که طی آن ظرفیت‌های تولیدی یک جامعه با تکیه بر به‌کارگیری، گسترش و درون‌زا کردن دستاوردهای علمی - فنی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، عصاره و جوهره توسعه اقتصادی در یک نکته خلاصه می‌گردد، این که جامعه‌ای از دید اقتصادی توسعه یافته است که توانسته باشد فرایندهای تولید خود را بر علوم و فنون بشری دوران اخیر (بعد از انقلاب صنعتی) متکی سازد (عظیمی، ص ۹۳ و ۳۴۴). به طور کلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اقتصاددانان، به منظور افزایش بلند مدت ظرفیت تولید و افزایش عرضه کل برای پاسخ‌گویی به نیازهای جمعیت می‌باشد و افزایش ظرفیت بلند مدت تولید، بستگی به پیشرفت‌های نوین

فنی و تطبیق آن با وضعیت نهادی و عقیدتی مورد تقاضای آن دارد (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص ۱۷). در نهایت می‌توان توسعه اقتصادی را از این دیدگاه‌ها به مفهوم رشد اقتصادی در نظر گرفت که در یک کشور افزایش بلند مدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هرچه متنوع‌تر اقتصادی به مردم مد نظر باشد (همان، ص ۲۶۴).

مرحله دوم: مفهوم سازی توسعه اقتصادی

مفهوم سازی توسعه اقتصادی با توجه به مفاهیم مطرح در میان اقتصاددانان را می‌توان بر مبنای گفت‌مان قرآنی متناسب با اصول و اهداف توسعه اقتصادی در نظر گرفت. از جمله آن، روشن نمودن روش شناسی کشف مولفه‌ها، عوامل و موانع بر اساس مبانی اسلامی می‌باشد. در این زمینه می‌توان به روش اکتشاف شهید صدر و روش سیستمی در استخراج این مقوله‌ها اشاره کرد.

روش اکتشاف بیشتر برای کشف مولفه‌های اصولی اقتصاد اسلامی (اصول و قواعد اساسی) آن به کار گرفته می‌شود. در این روش کشف قواعد مکتبی مستند به احکام حقوقی و اخلاقی مستنبط چند مجتهد می‌باشد به نحوی که منسجم‌ترین احکام از فتاوی چند مجتهد کنارهم قرار گیرند تا قواعد مکتبی که از انسجام و قوت کافی برای حل مشکلات برخوردار است، کشف شود (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۲۵-۴۰). راه اکتشاف راه مکمل در کشف اصول و قواعد اساسی است و یگانه راه نمی‌باشد (یوسفی، صص ۱۴۸-۱۷۶).

روش دیگر در این زمینه استفاده از روش سیستمی می‌باشد؛ در این روش بر اساس فرض نظام سیستمی هر موضوع اقتصادی، متشکل از عناصر ورودی، هسته مرکزی (پردازش) و عناصر خروجی خاص می‌باشد، که دارای اثری واحد و برای تامین هدف واحدی ایجاد گردد.

در این روش برای تدوین یک سیستم بعد از موضوع شناسی در قدم اول می‌بایست سیستم مفروض را با حداقل مولفه‌ها و فاکتورهای متعارف آن با تجربه مشترک بشری و عقل حداقلی اولیه در نظر گرفته و در قدم بعدی جستجوی کلیدواژه‌های موضوع در منابع دینی (قرآن و احادیث) می‌باشد. در مواجهه با گزاره‌های اخلاقی و حقوقی و اقتصادی آنها را دارای قابلیت و ظرفیت برنامه سازی در ساختار یک سیستم در نظر گرفته و آنها را صرفاً از جنبه اخلاقی، حقوقی و اقتصادی در نظر نمی‌گیریم (واسطی، ۱۳۸۹).

بر اساس تطبیق این سیستم در بحث توسعه اقتصادی می‌توان ورودی‌های آن را عوامل و موانع توسعه اقتصادی در نظر گرفت، که بر اساس پردازش آیات قرآنی و روایات می‌توان خروجی‌های آن را در سطح خرد، تحقق رفاه، ازدیاد نعمات و افزایش رزق و روزی مادی و در سطح کلان تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام را برای آن در نظر گرفت، البته ملاحظات و محدودیت‌های شرعی و قانون اسلامی را نیز می‌بایست در این پردازش در نظر گرفت.

مفهوم مطلوب توسعه اقتصادی

هر روش تحقیقی در زمینه‌های نظری یا تجربی، خود متأثر از دیدگاه معرفت‌شناسی ویژه است که آن

نیز، حاکی از برداشت خاصی از جهان است و به شیوه‌های ویژه از توجه به موضوع عنایت دارد. به عنوان مثال، روشهای کمی به مفاهیمی که به خوبی قابل تعریف و به آسانی و با هزینه کم قابل اندازه گیری است، اهمیت می دهند.

چنین روشهایی در علوم اجتماعی و بیش از همه در علم اقتصاد، گسترش بیشتری یافته است. بر این اساس برخی مفاهیم مهم در اقتصاد فقط وقتی معنا پیدا می کند که هدف یا غایتی در نظر گرفته شود؛ به عنوان مثال، تعریف کالا در اقتصاد متعارف، بر این مفهوم استوار است که تولید آن در جهت رفع نیاز و ایجاد مطلوبیت و رضایت باشد و به طور کلی دارای فایده باشد.

بر اساس چارچوب ارزشی اقتصاد متعارف، کالایی مطلوب واقع شده و دارای فایده است، که برای آن تقاضای موثر وجود داشته باشد، یعنی مردم در قبال آن پول پرداخت کنند. به بیان دیگر، نظریه تقاضا در اقتصاد کاملاً به تعریف مفهوم ارزش بستگی دارد، بر این اساس نظریه مطلوبیت پایه اصلی نظریه تقاضا را تشکیل می دهد و مطلوبیت پایه اساسی این نظریه می باشد (عیوضلو، ۱۳۸۱، صص ۱۴۴-۱۶۱).

بنابراین در اقتصاد اسلامی فقط در صورت حاکمیت اصول ثابت شریعت اسلامی، اعم از اصول تکوینی - نظیر: اصل ربوبیت خداوند متعال، اصل مالکیت الله، اصل هدفداری آفرینش، اصل خلافت و جانشینی انسانها و اصل عدالت تکوینی - و اصول تشریحی - از قبیل: اصل مالکیت اعتباری انسانها، اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل تبعیت نساء از اصل یا اصل ثبات مالکیت و اصل لاضرر - قابل تحقق باشد (همان، صص ۱۴۴-۱۶۱).

لذا برای بیان مفهوم مطلوب توسعه اقتصادی با توجه به اصول نظری توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می توان با توجه به اصل جانشینی^۳ انسان از خداوند متعال در روی زمین و اصل توصیه به عمران زمین، این گونه استدلال کرد، که انسان جانشین خداوند متعال، می بایست هدف خلقت ذات خویش را دنبال کند و آن نیل به حیات طیبه می باشد، که یکی از ابعاد توصیه به عمران زمین، استفاده از فنون و روشهای پیشرفته علمی از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تامین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان می باشد، که طی نمودن این جریان یکی از تعاریف متناسب بامبانی اسلامی از توسعه اقتصادی می باشد (اشکذری، ص ۴۵).

در این تعریف رشد مادی همگام با رشد و تعالی معنوی بشر و همراه با حرکت در مسیر تکاملی شایسته مقام و منزلت انسان لحاظ گردیده است، که در تعالیم دینی و آیات قرآن کریم بسیار به آن تاکید شده است (کریمی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰).

به نظر می رسد لحاظ کردن هدف رسیدن به توسعه اقتصادی در تعریف توسعه اقتصادی چندان مناسب

۳ - إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ. (اعراف: ۶۹) ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خُلَافَةَ فِي الْأَرْضِ. (یونس: ۱۴) وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ. (نمل: ۶۲)

۴ - هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْمِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ. هود: ۶۱

نباشد، بر این اساس با پیش فرض گرفتن مبانی و اهداف توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می‌توان به طور خلاصه توسعه اقتصادی را مطلق رشد اقتصادی و مادی را مد نظر قرار داد و صرفاً جنبه‌های اقتصادی و کمیت‌های عددی رشد تولیدات و افزایش (GNP) و رسیدن به نتایج آبادانی را در مفهوم توسعه اقتصادی مطلوب در نظر گرفت، که درگفتمان قرآن کریم و بر اساس بررسی‌های کلید واژه‌ها و اصطلاحات، واژه‌های برکت (برکات)، رزق، مغنم کثیره، عمران و .. می‌توان اشاره کرد.

در این میان مناسب‌ترین واژه‌ای که برای بیان مفهوم توسعه اقتصادی در گفتمان قرآن کریم می‌توان سراغ گرفت، واژه «عمران» می‌باشد، اگر چه برخی آن را معادل مفهومی «توسعه» به معنای عام به کار گرفته است، عمران البلاد و مطلق آبادانی زمین را مراد دانسته است (مصباحی مقدم، ش ۲، ص ۸-۳).

همچنین یکی از واژه‌هایی که در مفهوم سازی توسعه اقتصادی می‌توان بر اساس گفتمان قرآن کریم اشاره کرد، واژه «بلده طیبه» (اعراف/۵۸ و سبأ/۱۵) می‌باشد، که به معنی سرزمین پاک و مطلوب و پیشرفته در نظر گرفته شده است؛ که این سرزمین از لحاظ اقتصادی با ویژگی وفور نعمت معرفی شده است. (نحل، ۱۳۳-۱۱۲).

بر این اساس می‌توان منظور از توسعه اقتصادی را از بعد کمی آن و ازدیاد نعمات در نظر گرفت و بحث از جهات کیفی و توزیع عادلانه و... را مربوط به بحث عام توسعه قلمداد نماییم. قدر مسلم باید گفت که قرآن کریم برای تبیین عوامل و موانع برخورداری از این توسعه اقتصادی، اشارات آشکاری را به کار برده است.

مرحله سوم: استخراج عوامل توسعه اقتصادی

استخراج عوامل توسعه اقتصادی بر اساس گفتمان قرآن کریم با توجه به کلید واژه‌هایی در این زمینه مطرح می‌باشد. از نظر قرآن کریم رسیدن به آبادی، رفاه و توسعه اقتصادی به عنوان «وسیله‌ای» برای رسیدن به اهداف متعالی خلقت انسان می‌باشد، با این وجود در آیات متعددی به طور غیر مستقیم عواملی را برای رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب بیان داشته است.

قرآن کریم به عواملی که سبب افزایش بهره‌وری و افزایش رفاه، رزق و روزی و نزول برکات است، اشاره دارد، که از نتایج آن توسعه اقتصادی مطلوب می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت که عوامل توسعه اقتصادی در قرآن کریم به دو دسته کلی مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

الف) عوامل مادی توسعه اقتصادی

هر یک از عوامل مادی به دو دسته؛ عوامل مادی مستقیم و عوامل مادی غیر مستقیم، تقسیم می‌شود.

عوامل مادی مستقیم توسعه اقتصادی

دسته اول؛ عوامل مادی که به طور مستقیم در رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب نقش دارد که از قبیل عامل کار و عوامل سرمایه می‌باشد. با انواعی که دارد، همراه با سایر عوامل به طور مستقیم در جریان تولید

قرار می‌گیرد و دارای نقش مهمی در تولید، رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد.

عواملی که برای تولید کالاهای مورد نیاز یک جامعه لازم است، به اصطلاح نهاده‌های تولید هستند، که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است و عوامل تولید خود به دو دسته تقسیم می‌شود: عامل کار و عوامل سرمایه.

عوامل تولید

۱- کار

کار به عنوان یکی از عوامل تولید، در قرآن کریم ترغیب فراوانی برای آن صورت گرفته است و در این زمینه می‌فرماید: وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوِنًا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ (الإسراء: ۱۲) ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم سپس نشانه شب را محو کرده و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید).

با آنکه فضل و رحمت از خداوند است، ولی ما نیز باید به کار و تلاش بپردازیم. در تفسیر جلالین داریم که منظور از جستجوی فضل خداوند با کسب و کار است (سیوطی، ۱۶۱۴ق، ص ۲۸۷). هم‌چنین در آیه دیگر می‌فرماید: وَ مِّن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (القصص: ۷۳) و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید و شاید شکر نعمت او را بجا آورید.

در این آیه شریفه به گستردگی دامنه رحمت خدا اشاره می‌کند که این گستردگی ایجاب می‌کند تمام وسائل حیات انسان تامین گردد، اما انسان از آنجایی که نیاز به کار و کوشش و حرکت دارد، روشنایی روز را برای آن قرار داد و بخشندگی خداوند موجب نمی‌شود که انسان تلاش نکند و برای همین است که خداوند از سر بخشندگی روز برای کار و فعالیت است.

به طور خلاصه می‌توان گفت، هر چند این آیات شریفه در مقام بیان نعمت‌های الهی و ترغیب انسان به عبادت و شکر خداوند متعال است، ولی می‌توان از آن اشاراتی به فعالیت‌های اقتصادی انسان برای بهره‌مندی از این نعمت‌های الهی به دست آورد.

در این آیات شریفه با ارائه منابع نیازهای اقتصادی انسان، او را به عمل و تلاش برای کسب روزی تشویق کرده است، زیرا اصلی‌ترین نیاز اقتصادی و مادی انسان، مسکن، خوراک و پوشاک است. بستر زمین متکفل رفع نیازمندی‌هایی است که انسان در طول زندگی خود دارد.

۲- سرمایه

یکی دیگر از عوامل مهم تولید و یکی از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی، سرمایه و بهره‌گیری درست از آن می‌باشد. در تقسیم سرمایه به دو دسته سرمایه مادی و انسانی می‌توان اشاره کرد.

از مهم‌ترین انواع سرمایه می‌توان سرمایه نقدی، جمعیت فعال و با نشاط، منابع طبیعی از قبیل زمین، خاک، آب، معادن و هم‌چنین مواهب طبیعی مانند جنگل‌ها، مراتع و ذخایر دریایی نام برد.

۳- زمین

یکی از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی زمین می‌باشد، که در قرآن کریم به اهمیت اقتصادی و نقش آن در تولید تاکید و اشاره شده است.

چنان‌که می‌فرماید: **الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (البقره: ۲۲) آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آن‌ها، نه شما را آفریده‌اند و نه شما را روزی می‌دهند).

این آیه شریفه به اهمیت زمین اشاره دارد که در ترکیب با عواملی چون آب و تلاش و فعالیت و کار اقتصادی انسان، از آن محصولاتی تولید می‌گردد، که از ضروریات زندگی و روزی انسان است. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** (اعراف: ۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

در این آیه شریفه زمین و آسمان را دارای برکاتی دانسته است، که در صورت ایمان و تقوای انسان، این برکات را خداوند عنایت خواهد کرد. بنابراین، زمین یکی از منابع طبیعی است، که نزول برکات خداوند از طریق آن به انسان می‌رسد.

هم‌چنین در آیه دیگر می‌فرماید: **وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** (الرعد: ۴) و در روی زمین، قطعاتی درکنارهم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه (و عجیب‌تر آن‌که) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند!

این آیه شریفه به استعداد قطعات مختلف زمین در پرورش گیاهان و محصولات گوناگون اشاره دارد و زمین را به عنوان یک عامل مهم تولید در پدید آمدن این محصولات معرفی می‌کند.

آیه شریفه بیان می‌دارد که این قطعات درکنارهم و درهمسایگی یکدیگرند با این‌که همه با یکدیگر متصل و مربوطند، هرکدام ساختمان و استعدادی مخصوص به خود دارند، بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی

شور، بعضی شیرین و هر کدام استعداد برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارد، چرا که نیازهای انسان و جانداران زمینی بسیار زیاد و متفاوت است که با بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین، همه این نیازمندی‌ها به طور کامل بر طرف می‌گردد.

۴- معادن

معادن یکی از پر ارزش‌ترین منابع طبیعی است، که خداوند همه انواع آن را اعم از فلز و غیر فلز از نهاده‌های اصلی و طبیعی به صورت رایگان در اختیار بشر قرار داده است. چنان‌که می‌فرماید: *وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوْحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْفِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱) يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبأ: ۱۳-۱۲)*

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند و هر کدام از آن‌ها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم! آن‌ها هرچه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود و به آنان گفتیم): ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید ولی عده کمی از بندگان من شکر گزارند.

این آیات بر به کارگیری معادن مس در تولید ظروف و غیره دلالت دارند. به عبارتی حضرت سلیمان از معدن مس به صورت عامل تولید بعضی از کالاها استفاده کرده است. حتی قول به اعجاز و خارق العاده بودن جوشش مس از معادن و به کارگیری جنیان در فرآیند تولید، دلالت آیات را تضعیف نمی‌کند. زیرا به کارگیری معدن مس در تولید کالاهای نهایی مورد توجه است، خواه این مواد معدنی به وسیله اجته یا رباط یا انسان به کار گرفته شده باشد (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶).

هم‌چنین در آیه دیگر می‌فرماید: *وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ (الحجر: ۱۹)* و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم. در تفسیر آیه شریفه آمده است که: *(وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ)* این احتمال نیز در معنی این جمله داده شده است که منظور روئیدن معادن مختلف در کوه‌ها می‌باشد زیرا عرب کلمه "انبات" را درباره معدن نیز به کار می‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۵۴).

همان‌طوری که در بعضی از روایات نیز اشاره به این معنی شده است؛ در روایتی از امام باقر(ع) می‌خوانیم: که تفسیر این‌آیه را از حضرتش پرسیدند، فرمود: منظور این است که خداوند درکوه‌ها معادن طلا و نقره و جواهرات و سایر فلزات آفریده است(عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، صفحه ۶).
در مجموع آنچه از آیات شریفه به دست می‌آید اشاره به اهمیت معادن در تولید و صنعت می‌باشد، که به عنوان یک سرمایه فیزیکی و در ترکیب با عوامل دیگر تولید، عامل مهمی در رسیدن به توسعه اقتصادی می‌باشد.

۵- دریا

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی دریا است، که قسمت عمده روی زمین را دریاها تشکیل می‌دهند، نخستین جوانه حیات از دریاها آشکار شده و اکنون دریا منبع مهمی برای ادامه حیات انسان و همه موجودات روی زمین است؛ آب آن منبع بخار و ابر و باران است که عمق آن، تأمین کننده‌ی غذای انسان با لذیذترین ماهی‌ها و سطح آن، ارزان‌ترین و گسترده‌ترین راه برای حمل و نقل کالا و مسافر است، اما با آن همه عظمت و خروش، رام انسان و در خدمت تأمین نیازهای ضروری آن‌هاست.
در قرآن کریم به این منبع ارزنده طبیعی برای استخراج زینت آلات و صید انواع ماهی‌ها و فوایدی که از راه کشتی‌رانی و حمل و نقل نصیب انسان می‌شود، اشاره شده است؛ «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (النحل: ۱۴)

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت بپردازید) و از فضل خدا بهره‌گیرید شاید شکر نعمت‌های او را بجا آورید!
به طورکل درآیه شریفه به سه نعمت و فایده‌ای که انسان از دریا می‌تواند بدست آورد اشاره شده است:

۱- منبع تغذیه	۲- مواد زینتی	۳- وسیله انتقال
---------------	---------------	-----------------

۱-۵- منبع تغذیه

با تمام پیشرفتی که در زندگی و تمدن مادی بشر به وجود آمده، هنوز دریا یکی از مهم‌ترین منابع تغذیه انسان را تشکیل می‌دهد، همه‌ساله صدها هزار تن از گوشت تازه‌ای که دست لطف پروردگار برای انسان‌ها پرورش داده، از دریا صید می‌شود.

حتی اکنون که جمعیت کره زمین رو به افزایش است و بعضی از مطالعات ابتدایی خطر کمبود مواد غذایی مردم جهان را برای آینده گوش‌زد می‌کند، افکار دانشمندان متوجه دریاها شده و چشم امید خود را به آن دوخته‌اند تا از طریق پرورش و تکثیر نسل انواع ماهی‌ها بتوانند این کمبود را به مقدار قابل ملاحظه‌ای برطرف سازند و از سوی دیگر مقرراتی برای جلوگیری از آلوده شدن آب دریاها و از میان رفتن نسل

ماهی‌ها وضع کرده‌اند که همه اهمیت کلام خداوند را که در چهارده قرن قبل بیان کرده است، روش‌تر می‌سازد.

قرآن کریم در آیه شریفه فوق بیان داشته که دریا منبع ارتزاق مهم انسان می‌باشد، زیرا انسان می‌تواند، با استفاده از ابزار و وسایل صید بخش عظیمی از ذخایر غذایی خود را از دریا صید نماید. غذایی که زحمت پرورش و آماده سازی آن به دست قدرت خدا است که آن را در دل اقیانوسها پرورش داده و رایگان در اختیار انسان گذارده است.

امروزه یکی از طرق و عواملی که کشورهای مختلف رشد و درآمد ملی خود را بالا می‌برند، ناشی از تولید و فروش محصولات دریایی مثل خاویار و گوشت انواع ماهی‌هاست.

۲-۵- مواد زینتی

یکی دیگر از منافع دریا مواد زینتی است که از دریاها استخراج می‌شود؛ این مواد زینتی تمایل به زیبایی را در روح انسان ارضاء می‌کند، بدون شک این بعد از روح انسانی نقش مؤثری در حیات بشر دارد، لذا باید بگونه‌ای صحیح و سالم- دور از هر گونه افراط و تفریط و اسراف و تبذیر- اشباع گردد.

آن‌ها که غرق در تجمل پرستی و انواع زینتند همانند افراد خشک و مخالف هر گونه زینت هر دو در گمراهی به سر می‌برند، چرا که یکی در طرف افراط و نابودی سرمایه‌ها و ایجاد فاصله طبقاتی و کشتن معنویات است و دیگری در طرف تفریط و باعث خمودی و رکود می‌باشد (مکارم شیرازی، پیشین، ص ۱۸۲). لذا استفاده از زینت به صورت معقول و خالی از هر گونه اسراف مانند بهره‌گیری از لباس‌های خوب، انواع عطریات، در اسلام توصیه شده است (به ویژه در مورد زنان که نیاز روحی‌شان به زینت بیشتر است).

بنا به فرمایش مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه، مقصود از "استخراج زینت برای پوشیدن"، لؤلؤ و مرجانی است که از دریا گرفته می‌شود و زنان خود را با آن می‌آرایند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۱۸). در هر صورت دریا منبع سرشاری از این گونه نعمت‌ها است.

۳-۵- وسیله انتقال

سومین فایده دریا، حرکت کشتی‌ها به عنوان یک وسیله مهم برای انتقال انسان و نیازمندی‌های او می‌باشد، که در آیات مختلفی به آن اشاره شده است.^۵ مساله حمل و نقل یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدن انسانی و زندگانی اجتماعی بشر است با توجه به اینکه دریاها قسمت عمده روی زمین را فرا گرفته و به یکدیگر ارتباط دارند می‌توانند مهمترین خدمت را در این زمینه به انسان‌ها ارائه نمایند.

توجه به این نکته که راه‌های دریایی از جاده‌های خشکی بسیار وسیعتر، کم خرج‌تر و آماده‌تر است و نیز توجه به اینکه کشتی‌های غول‌پیکر که گاهی به بزرگی یک شهر می‌باشند، عظیمترین وسیله نقلیه بشر را

۵ - رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً. (الإسراء: ۶۶) وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ مِنْ كُلِّ نَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرُجُونَ جَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. (فاطر: ۱۲)

تشکیل می دهند، اهمیت نعمت دریاها را برای کشتیرانی واضحتر می کند (قرآنی، ج ۶، ص ۳۷۴).

حجم کالاهایی که از طریق دریاها حمل و نقل می شود و مسافرانی که با آن جابجا می شوند، به قدری زیاد است که با هیچ وسیله نقلیه دیگر قابل مقایسه نیست، چنان که گاه یک کشتی می تواند به اندازه ده ها هزار اتومبیل! بار با خود ببرد، هم اکنون کشتی های پانصد هزار تنی ساخته شده که برای نقل و انتقال مواد نفتی مورد استفاده قرار می گیرد؛ که هیچ وسیله نقلیه دیگری ممکن نیست جای آن را بگیرد و هیچ جاده ای به جز دریاها قدرت تحمل آن را ندارد (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۲۰۷).

البته فوائد دریاها منحصر به مسائل فوق نیست و قرآن نمی خواهد آن را در این امور سه گانه محدود سازد، مساله تشکیل ابرها، مواد دارویی، نفت، وسائل پوششی، مواد تقویتی برای زمین های بایر، تاثیر در ایجاد بادهای، و... برکات دیگر دریاها محسوب می شود. در مجموع آنچه می توان بیان داشت اینکه دریا یکی از منابع سرشار طبیعی برای رفع احتیاجات و بهره برداری انسان می باشد، که به عنوان سرمایه و یکی از مهم ترین منبع تأمین سرمایه برای توسعه اقتصادی مطرح می باشد، که در صورت ترکیب با عوامل تولید و بهره برداری اصولی و درست از آن، نقش مهمی در رسیدن به توسعه اقتصادی جوامع اسلامی می تواند داشته باشد.

۶- آب

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی که به رایگان در اختیار بشر نهاده شده است، آب ها می باشد، که در قرآن کریم به انواع و موارد استفاده ای آن اشاره شده است. قرآن کریم آب باران و آب نهرها و آب چشمه ها را بر شمرده است و آن را از عوامل اصلی تولیدات کشاورزی و رفع نیازهای ضروری زندگی انسان شمرده است.

۱-۶- آب باران

مساله حیات و زندگی زمین به وسیله نزول آب باران، در آیات متعددی از قرآن بیان شده است؛ اما آنچه در اینجا مد نظر است، استفاده از باران به عنوان عامل تولید و یکی از سرمایه های طبیعی خدادادی برای رشد تولیدات کشاورزی و رفع نیازمندی های ضروری زندگی انسانی مطرح است، که قرآن کریم در این زمینه می فرماید: **الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (البقره: ۲۲) آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [جو زمین] را هم چون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از آن ها، نه شما را آفریده اند، و نه شما را روزی می دهند).

امام سجاده^(ع) در تفسیر این آیه راجع به نزول باران از آسمان بیان جالبی دارد که می فرماید: " خداوند باران را از آسمان نازل می کند تا به تمام قله های کوه ها، تپه ها و تمام نقاط مرتفع و هموار برسد و آن را دانه

دانه و نرم و پی در پی قرار داد، تا کاملاً در زمین فرو رود، و سیراب گردد. سپس به انواع میوه‌هایی که از برکت باران و روزی‌هایی که نصیب انسان‌ها می‌شود اشاره کرده چنین می‌گوید: "خداوند بوسیله باران، میوه‌هایی را به عنوان روزی شما از زمین خارج ساخت (عروسی حویزی، پیشین، ج ۱، ص ۴۱).

هم‌چنین درآیه دیگر در این زمینه می‌فرماید: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** (البقره: ۱۶۴) آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده، (هم‌چنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند!

درآیه شریفه به دانه‌های باران و قطرات با برکت آن اشاره دارد که به هر جا می‌ریزد، زندگی، برکت، آبادی و نعمت، همراه خود می‌آورد، این آب که خود مایع بی‌جان است، آن همه موجودات را جان می‌دهد. هم‌چنین در آیات فراوان دیگری به این موضوع اشاره دارد،^۶

۶-۲- آب نهرها

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی، آب نهرها می‌باشد، که استفاده‌های متعدد و متنوعی در رشد تولیدات برای انسان دارد.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: **وَيُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً** (نوح: ۱۲) و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک‌کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد.

در این آیه شریفه به برشمردن نعمت‌های مادی خداوند در حق انسان اشاره کرده است که نهرهای آب جاری در زمره نعمت‌ها و عوامل مهم تأمین سرمایه از قبیل فزونی اموال و فزونی فرزندان (سرمایه‌های انسانی)، شمرده شده است، که نشان از اهمیت این منبع مهم تولید دارد.

کلمه "امداد" به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به هدفش کمک کند. اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است. جنات" و "انهار" دو تا از اقسام مال و سرمایه است، لیکن از آنجایی که از سایر اقسام مال نسبت به ضروریات زندگی بشر دخالت گسترده‌تری دارند در آیه مخصوصاً ذکر شده

۶ - وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا. (العنكبوت: ۶۳) وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ. (النمل: ۶۰) وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْضِئُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. (الروم: ۲۴) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ نَبَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ. (الزمر: ۲۱)

است (طباطبایی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۶).

هم چنین در آیه دیگر در راستای اهمیت نهرها در زندگی انسان سخن از تسخیر این منبع مهم برای انسان است و می‌فرماید: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ (إبراهیم: ۳۲) خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن، میوه‌ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، تا بر دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: مقصود از "انهار" در جمله "سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ" آب‌های جاری است که در مکان‌های مختلف زمین جریان دارد. و تسخیر "انهار" به این است که آن‌ها را رام بشرکنند، تا بشر برای آشامیدن و شستشو و برطرف کردن کثافات و امثال آن، از آن بهره‌مند شود (همان، ج ۱۲، ص ۸۵).

جریان انهار مهم‌ترین وسیله زندگی، تأمین آب مشروب برای انسان‌ها، حیوانات، اشجار و زراعت است، اگر ساختار زمین مانع جریان آب‌ها نباشد، با جریان انهار همه زمین و سکنه آن از انسان و حیوان و نباتات مشروب می‌شوند و برنامه آب رسانی از آسمان و زمین خود باب جداگانه‌ای است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۲۶۶).

تفسیر نمونه در بیان فواید و منافع نهرها برای بشر به عنوان یک منبع مهم سرمایه چنین می‌نویسد: هم چنین "نهرها را در تسخیر شما در آورد" تا از آب حیاتبخش آن‌ها زراعت‌هایتان را آبیاری کنید، هم خود و دام‌های تان سیراب شوید، هم در بسیاری از اوقات، صفحه آن‌ها را به عنوان یک جاده هموار مورد بهره برداری قرار داده، با کشتی‌ها و قایق‌ها از آن‌ها استفاده کنید و هم از ماهیان آن‌ها و حتی از صدفهایی که در اعماقشان موجود است، بهره‌گیری (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۵۰).

به هر حال، نهرها یکی از منابع مهم در زندگی بشر می‌باشد که فواید بسیاری داشته و کشوری که از این سرمایه برخوردار باشد، می‌تواند در روند رشد و توسعه اقتصادی استفاده فراوانی از این منبع خدادادی ببرد.

۳-۶- آب چشمه‌ها

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی، آب چشمه‌ها می‌باشد، که قرآن کریم به عنوان نعمتی گران‌سنگ و سرمایه‌ای مهم به آن اشاره کرده است، و می‌فرماید: أَمْذَكُمْ بَأْنَعَامٍ وَ بَيْنَ وَ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (الشعراء : ۱۳۳-۱۳۴) شما را به چهارپایان و نیز پسران امداد فرموده باغ‌های خرم و سرسبز و چشمه‌های آب‌جاری در اختیارتان قرار دادیم.

در آیه شریفه به سرمایه‌هایی که در زندگی انسان نقش مهم دارد اشاره شده است، از قبیل یاری خداوند در فراهم نمودن نیروی انسانی، و یاری خداوند در بخش کشاورزی و باغداری که به وسیله چشمه‌ها انجام گرفته است و هم در زمینه دامداری و وسائل حمل و نقل که با خلقت چهارپایان انجام گرفته است، به

گونه‌ای که در زندگی خود احساس کمترین کمبود و ناراحتی نداشته باشند.

راغب می‌گوید: کلمه «مد» در اصل به معنای کشیدن است، ولی دریاری هم استعمال می‌شود، «امدات الجیش بمدد و الانسان بطعام- من لشکر را به مدد یاری کردم و فلانی را به اطعام مدد دادم» و بیشتر موارد استعمال امداد در محبوب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۳).

به هر حال، چشمه‌ها یکی از منابع مهم سرمایه در تولیدات بخش کشاورزی و تامین کننده احتیاجات ضروری زندگی انسان است، که در قرآن کریم از اعطای آن به امداد تعبیر شده است.

۷- کوه‌ها

یکی دیگر از عوامل تامین سرمایه و یکی از منابع طبیعی کوه‌ها می‌باشد، که استفاده‌های مهمی در زندگی انسان و تولیدات مورد استفاده انسان از جمله در تولید و فراهم آمدن عسل دارد.

قرآن کریم فوایدی برای کوه‌ها در زندگی انسان برشمرده است: اولین فایده آن در زمینه فراهم آوردن عسل از طریق خانه سازی زنبورها و استفاده از گیاهان و گل‌های کوهی است، در این زمینه می‌فرماید: وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (النحل / ۶۹-۶۸) و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین! سپس از همه میوه‌ها بخور، پس راه‌های پروردگارت را خاضعانه طی کن؛ از شکم‌های آن‌ها نوشیدنی رنگارنگ بیرون می‌آید که در آن شفای مردم است، البته در این (زندگی زنبور) برای کسانی که فکر می‌کنند قطعاً عبرتی است.

در آیه شریفه به منبع مهم تولید عسل که همانا گیاهانی است که در کوهستان رشد کرده است، اشاره دارد و بهترین نوع عسل، عسل زنبورهای کوهستان است که از گل و گیاه کوهی استفاده می‌کنند. زندگی زنبوران عسل و تولید آن‌ها برای جهان انسانیت هم غذا و هم شفا است، فوایدی که با تدبیر الهی این تولید طبیعی برای زندگی و رفاه و آسایش انسان دارد، قابل انکار نمی‌باشد.

فایده‌های دیگر کوه‌ها اینکه برای تامین آب مصرفی انسان و حیوانات و استفاده در کشاورزی، تصفیه هوا، ایجاد سایه، دفاع در برابر دشمن، استفاده از منابع، تامین آذوقه حیوانات، منبع انواع برکات و سرچشمه‌های آب‌های گوارا است.

هم‌چنین وضع خاص کوه‌ها مقاومت پوسته زمین را در مقابل جاذبه ماه زیاد می‌کند و اثر آن را به حداقل می‌رساند. از سوی دیگر از قدرت طوفان‌های شدید و حرکت دائمی بادها بر پوسته زمین می‌کاهد؛ اگر کوه‌ها نبودند سطح هموار زمین دائماً در معرض تندبادها قرار داشت و هم‌چنین کوه‌ها یکی از مخازن اصلی آب‌ها (به صورت برف و یخ و به صورت آب‌های درونی) می‌باشند (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۵، ص ۴۱۳).

چنان که می فرماید: وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (المرسلات: ۲۷) و در آن کوه‌های استوار و بلندی قرار دادیم، و آب گوارا به شما نوشاندیم!

آیه شریفه به یکی از نعمت‌های الهی که خلقت کوه‌هاست، اشاره کرده است و کلمه رَوَاسِيَ: جمع راسیه بمعنی کوه‌هاست (مصطفوی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۱۲). و چون نهرها و چشمه‌های طبیعی همه از کوه‌ها سرچشمه می‌گیرند، به طرف دشت‌ها سرازیر می‌گردد و کلمه «فرات» به معنای آب گوارا است (طباطبایی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۴۷).

در تفسیر آیه شریفه می‌خوانیم: این کوه‌ها که سر به آسمان کشیده و ریشه‌های آن به یکدیگر پیوسته است از یک سو هم چون زرهی زمین را در بر گرفته و در برابر فشار داخلی و فشارهای ناشی از جزر و مد خارجی حفظ می‌کند و از سوی دیگر جلو اصطکاک قشر هوا را با زمین می‌گیرد و پنجه در هوا انداخته و آن را با خود به گردش در می‌آورد و از سوی سوم طوفان‌ها و بادهای عظیم را کنترل می‌کند و به این ترتیب از جهات مختلف به اهل زمین آرامش می‌بخشد (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۵، ص ۴۱۴).

در تفسیر ذیل آیه که به یکی دیگر از برکات کوه‌ها اشاره کرده می‌افزاید: و آبی گوارا به شما نوشاندیم، آبی که هم برای شما گوارا و مایه حیات است و هم برای حیوانات شما و زراعت‌ها و باغ‌هایتان.

درست است که تمام آب‌های گوارا از باران است، ولی کوه‌ها مهمترین نقش را در آن ایفا می‌کند، بسیاری از چشمه‌ها و قنات‌ها از کوه‌ها می‌جوشد و سرچشمه بسیاری از نهرها و شط‌های عظیم از برف‌های است که بر قله‌های کوه‌ها می‌نشیند و مهم‌ترین ذخائر آبی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. و قله کوه‌ها به خاطر دوری از سطح زمین همیشه سرد است و می‌تواند ذخائر برف را سالیان دراز در خود جای دهد تا تدریجاً در پرتو آفتاب آب شود و به صورت نهرها جریان یابد (همان).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه به نکته جالبی اشاره کرده و می‌فرماید: کوه‌ها از ریشه به هم پیوسته‌اند و همچون زرهی کره زمین را در بر گرفته‌اند، این سبب می‌شود که از لرزش‌های شدید زمین که بر اثر فشار گازهای درونی هر لحظه ممکن است رخ دهد تا حد زیادی جلوگیری شود (طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۱۶). کوه‌ها علاوه بر فوایدی که در زندگی انسان دارد، به عنوان سرمایه و نعمتی در راستای تامین رفاه و آسایش بشر و رفع نیازمندی‌های ضروری بشر می‌باشد، که با استفاده و به کار گیری این سرمایه‌ی مهم انسان به رفاه و توسعه اقتصادی و فواید بسیار خواهد رسید.

۱- جنگل‌ها

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی جنگل‌ها می‌باشد. در اینکه جنگل‌ها منبع مهم طبیعی است که در اختیار بشر قرار گرفته است، شکی نیست؛ بطوری که قرآن کریم نیز در آیات خود به آن اشاره کرده است، و فرموده: وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الْمُسْرِفِينَ (انعام: ۱۴۱) اوست که باغ‌های معروف [باغهایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد] و باغ‌های غیر معروف را آفرید همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه و از جهتی تفاوت دارند (برگ و ساختمان ظاهری‌شان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آن‌ها متفاوت می‌باشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، پردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

۹- مراتع

یکی دیگر از عوامل تأمین سرمایه و یکی از منابع طبیعی مراتع طبیعی برای استفاده انسان می‌باشد، که در قرآن کریم به آن در آیات مختلفی اشاره شده است. و می‌فرماید: أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (النازعات: ۳۱-۳۳) آبش خارج کرد و چراگاهش را آماده ساخت و کوه‌ها را ثابت و محکم نمود. همه این‌ها برای بهره‌گیری شما و چهارپایان شما است.

درآیه شریفه «مرعی» اسم مکان است به معنی چراگاه (طبرسی، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۳۴) که خداوند آن را به طور آماده در اختیار انسان و چهارپایان آن‌ها قرار داده است، تا به عنوان منبع طبیعی ناب در جهت تأمین نیازهای زندگی خود استفاده کند.

مراد از بیرون کردن آب زمین از زمین، شکافتن چشمه‌ها و جاری ساختن نهرها است و مراد از اخراج مرعی زمین، رویاندن نبات بر روی زمین است، نباتاتی که حیوانات و انسان‌ها از آن‌ها تغذیه می‌کنند. مراد از مرعی، مطلق گیاهانی است که حیوان و انسان از آن تغذیه می‌کنند، نه فقط گیاهانی که مختص حیوان است، یعنی آنچه از آسمان و زمین که گفته شد خلق کردیم و امر آن را تدبیر نمودیم تا متاعی باشد برای شما و چارپایان شما، چارپایانی که خداوند برای شما مسخر کرد، تا در زندگیتان از آن‌ها بهره‌مند شوید (طباطبایی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۰۹).

هم‌چنین می‌فرماید: أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا، ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا، فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا، وَعَبْنَا وَقَضْبًا، وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا، وَحَدَائِقَ غُلْبًا، وَفَاكِهَةً وَأَبًّا، مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ. (عبس: ۳۲-۲۵) ما آب فراوانی از آسمان فروریختیم! سپس زمین را از هم شکافتیم و در آن دانه‌های فراوانی رویاندیم وانگور و سبزی بسیار، زیتون و نخل فراوان، باغ‌هایی پر درخت، میوه و چراگاه، تا وسیله‌ی برای بهره‌گیری شما و چهارپایان‌تان باشد.

درآیه شریفه «اب» به معنی گیاهان خودرو و چراگاهی است که آماده چریدن حیوانات و یا چیدن گیاهان باشد و از آنجا که اینگونه چراگاه‌ها آماده بهره‌برداری است به آن «اب» گفته شده است. همچنین درآیه دیگر به گیاهان خشکیده تیره رنگ اشاره کرده که منافع زیادی در بردارد؛ هم غذای مناسب برای زمستان حیوانات است و هم وسیله گرمایشی برای انسان و هم کود مناسبی برای زمین‌ها است (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۶، ص ۳۸۹).

در هر صورت مراتع منبع مهمی برای استفاده در زندگی انسان است که خداوند متعال آفریده است.

چنانکه می‌فرماید: وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (اعلی: ۴-۵) و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد، سپس آن را خشک و تیره قرار داد!

کلمه «مرعی» به معنای چرای است که علف‌خواران آن را می‌چرند، کلمه «غثاء» به معنای گیاه خار و خاشاکی است که سیل به کنار بیابان می‌ریزد که منظور از آن در اینجا گیاه خشکیده است. کلمه «احوی» به معنای سیاه شده است؛ منظور از بیرون کردن مرعی برای آذوقه حیوان و سپس خاشاک سیاه کردنش، ارائه نمونه‌ای از تدبیر ربوبی و دلایل ربوبیت خدا است، هم چنان که خلقت، تقدیر و هدایت نمونه دیگری از آن است (طباطبایی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۴۲).

در این آیه شریفه «اخراج» از ماده «اخراج» اشاره به این است که گویی همه اینها در دل زمین وجود داشته، خداوند آن‌ها را بیرون فرستاده، تغذیه حیوانات مقدمه‌ای است برای تغذیه انسان و فایده آن سرانجام به انسان‌ها باز می‌گردد؛ کلمه «مرعی» به معنای چرای است که علف‌خواران آن را می‌چرند (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۶، ص ۳۸۸).

هم‌چنین می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (النحل: ۱۰) او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است.

در آیه شریفه به نوعی دیگر از نعمت‌های خدا اشاره می‌شود که همه از روئیدنی‌ها هستند که بشر و غیر بشر از آن‌ها استفاده‌های غذایی می‌کنند.

کلمه «تسیمون» از ماده «اسامه» است که به معنای چریدن چهارپایان است و حیوان سائمه را هم از این باب سائمه می‌گویند. «شجر» عبارت است از آن روئیدنی‌هایی که ساقه و برگ دارند، آن‌گاه به عنوان توسعه در تمام روئیدنی‌ها - چه ساقه‌دار و چه بی ساقه نیز - استعمال می‌شود (طباطبایی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۱۶). به هر ترتیب مراتع یکی از منابع طبیعی برای استفاده انسان آفریده شده است، و یکی از عوامل تأمین سرمایه طبیعی برای استفاده انسان و حیواناتی که در خدمت رفاه انسان می‌باشد.

دسته دوم از عوامل مادی، عواملی هستند که به طور مستقیم در توسعه اقتصادی نقش ندارد، بلکه در اصل عوامل افزایش بهره‌وری هستند، چون بهره‌وری یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی می‌باشد، لذا به عنوان عوامل مادی غیر مستقیم توسعه اقتصادی مطرح هستند.

عوامل مادی غیر مستقیم توسعه اقتصادی

عوامل غیر مستقیم توسعه اقتصادی (عوامل افزایش بهره‌وری) عواملی هستند که به طور غیر مستقیم از طریق افزایش بهره‌وری در ایجاد توسعه اقتصادی در جامعه نقش داشته باشند، یکی از عوامل افزایش بهره‌وری تناسب عوامل می‌باشد، که در قرآن کریم در جریان زره ساختن حضرت داوود به آن اشاره کرده

است: أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (سبأ: ۱۱).

همچنین توانایی و مدیریت نیروی انسانی یکی دیگر از عوامل غیر مستقیم توسعه اقتصادی و از عوامل افزایش بهره‌وری می‌باشد. قرآن کریم به مناسبت‌های مختلفی، از جمله در جریان استخدام حضرت موسی به آن اشاره کرده است؛ دختران شعیب موسی را به دو ویژگی توانایی جسمی و امانت‌داری به پدر خود شعیب معرفی کردند: قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (القصص: ۲۶). همچنین یکی از عوامل غیر مستقیم توسعه اقتصادی ازدیاد جمعیت فعال می‌باشد، که در کنار ترکیب با عامل سرمایه می‌تواند، بهره‌وری و توسعه اقتصادی را برای جوامع به دنبال داشته باشد. قرآن می‌فرماید: وَ اذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (الأعراف: ۸۶).

ب) عوامل معنوی توسعه اقتصادی

در قرآن کریم علاوه بر عوامل مادی به عوامل معنوی توسعه اقتصادی نیز اشاره شده است، که این بیان فقط مخصوص به قرآن کریم می‌باشد. قرآن کریم از دیدگاه وحیانی و الهی خود این عوامل را در آیاتی با بیان روشن بیان کرده و به اهمیت این عوامل در رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب اشاره کرده است. این عوامل را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱- تقوی

یکی از عوامل معنوی توسعه اقتصادی تقوی می‌باشد. قرآن کریم تقوی و پیروی از دستورات الهی را عامل مهم نزول برکات آسمان و زمین می‌داند و می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: ۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

۲- توکل

یکی دیگر از عوامل معنوی توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم توکل است، که با وجود این مبنا در جامعه اسلامی می‌توان کارهای بزرگ را با به کارگیری توان انسان‌ها انجام داد، چون توکل بر قدرت خداوند متعال نیروی عظیمی است که در راه رسیدن به اهداف انسان نقش مهمی دارد. قرآن کریم وعده می‌دهد که هرکس به خداوند توکل کند خداوند برای او کافی است و کار او را به سرانجام می‌رساند. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ الْقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (الطلاق: ۲-۳).

هرکس تقوای الهی پیشه‌کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، از مسیری که خود او هم

احتمالش را ندهد رزقش می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا همه کاره‌اش می‌شود که خدا دستور خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

۳- مهاجرت در راه خدا

یکی دیگر از عوامل معنوی توسعه اقتصادی مهاجرت در راه خدا می‌باشد، اگر کسی برای رضای خداوند اقدام به مهاجرت نمایند، در زندگی برخورداری‌های زیادی را خواهد داشت، چنان‌که می‌فرماید: وَ مَنْ يَهْجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (النساء: ۱۰۰) آن‌کس که در راه خدا مهاجرت کند در روی زمین برخورداری‌های بسیار و گشایش‌ها خواهد یافت و هرکس که از خانه خویش بیرون‌آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آن‌گاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده خداست، خدا آمرزنده و مهربان است.

۴- عمل صالح

یکی دیگر از عوامل معنوی توسعه اقتصادی عمل صالح می‌باشد که قرآن کریم در آیات متعددی به آن اشاره کرده است و می‌فرماید: فَأَلْذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (الحج: ۵۰) آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آمرزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست!

۵ - شکر گزاری

شکر و سپاس‌گذاری شایسته و مورد رضای خداوند یکی از عوامل معنوی توسعه اقتصادی می‌باشد، که با انجام این امر مهم نعمت‌های خداوند افزایش می‌یابد؛ «وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». (ابراهیم: ۷) و (هم‌چنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

۶ - استغفار

استغفار از عوامل معنوی مهم برای داشتن زندگی نیکو و بهره‌مندی از مواهب زندگی این جهان می‌باشد که در قرآن کریم می‌فرماید: وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ. (هود: ۳)

از پروردگار خویش بطلبید سپس بسوی او بازگردید تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان)، به خوبی بهره‌مند سازد و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

منظور آیه شریفه از جمله «یمتعکم» بهره‌مند کردن در حیات دنیا و بلکه بهره‌مند کردن با زندگی مطلوب دنیایی است، شما را برخوردار می‌کند برخورداری خوبی از حیات نیک دنیوی، متاع حیات وقتی حسن و نیکو می‌شود که آدمی در آن حیات به سوی سعادت که برایش امکان دارد دست یابد و خداوند او را به سوی آرزوهای انسانی‌اش که همان تنعم به نعمت‌های دنیوی از قبیل: وسعت، امنیت، رفاه، عزت و شرافت است هدایت کند (طباطبایی، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۱۰).

۷- انفاق

یکی دیگر از عوامل معنوی رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب قرآن کریم انفاق مال است که علاوه بر این که جامعه را به توزیع عادلانه درآمد و ثروت نزدیک کرده، از هرگونه خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌نماید، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید خداوند متعال خواهد شد، چنانکه قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: *مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ*. (البقرة: ۲۶۱) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس که بخواهد دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع، و (به همه چیز) داناست.

مرحله چهارم: استخراج موانع توسعه اقتصادی

موانع توسعه اقتصادی عبارت است از انجام مجموعه اعمال و کردارهایی که باعث می‌شود جامعه از رسیدن به رفاه و سعادت و توسعه اقتصادی مورد نظر اسلام باز بماند، از نعمت‌ها و برخورداری‌های مادی و معنوی و مواهب خدادادی محروم گردد و سرمایه و امکانات رفاهی جامعه نابود شود.

البته توجه به این مطلب لازم است که قرآن کریم کتاب هدایت به کمال و سعادت جاودانه در دنیا و آخرت است، بیان این موارد و موانع همه در راستای رسیدن جامعه به کمال واقعی و سعادت دنیا و آخرت است، صرفاً رفاه و توسعه اقتصادی در دنیا مورد نظر قرآن کریم نمی‌باشد.

بنابراین آیاتی که بدین منظور بیان گردیده است، می‌تواند بیانگر موانع توسعه اقتصادی مورد نظر قرآن کریم باشد، که رفع این موانع در راستای اهداف متعالی خلقت و رسیدن انسان به کمال شایسته‌اش در دنیا و آخرت می‌باشد. قرآن کریم در بیان موانع و اسباب محروم شدن اقوام و جوامع از نعمت‌ها و رفاه و امکانات دنیوی به آیات متعددی اشاره کرده است، که به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول: مطلق گناهان را سبب نابودی آبادانی و سلب نعمت‌های خدادادی می‌داند؛ که عبارتند از:

۱- فسق: عنوان جامعی است برای مصادیق نافرمانی الهی و از موانع توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد؛ فسق به معنی ارتکاب ممنوعیت‌ها و ابتلاء به محرمات الهی است. چنان که می‌فرماید: *وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا* (الإسراء: ۱۶) و هنگامی که

بخوایم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آن‌ها را به شدت درهم می‌کوبیم.

۲- اعراض: یکی دیگر از موانع توسعه اقتصادی اعراض و روی گرداندن از خداوند می‌باشد، خداوند در قرآن کریم با دو عنوان از اعراض سخن گفته است، یکی اعراض از خداوند و دیگری اعراض از یاد خداوند.

قرآن کریم در بیان اعراض از خداوند که سبب از بین رفتن نعمت‌ها و باغ‌های پر برکت برخی از اقوام گذشته آنان شد و به عنوان مانعی برای پایداری و رفاه و نعمت‌ها می‌باشد، می‌فرماید: فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (سبأ: ۱۶) اما آن‌ها (از خدا) روی گردان شدند، ما سیل ویرانگر را برآنان فرستادیم و دو باغ شان را به دو باغ با میوه‌های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم!

۳- کفر و شرک: از موانع داشتن رفاه و توسعه اقتصادی مورد نظر اسلام و برخورداری از نعمات الهی کفر و شرک می‌باشند؛ در قرآن کریم کفر در عمل که همان سرپیچی عملی از انجام دستورات الهی می‌باشد، آن را عاملی برای سلب نعمت‌ها و ایجاد مانع در راه رسیدن به توسعه اقتصادی و رفاه نام برده است و می‌فرماید: وَ أَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفِّهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (الكهف: ۴۲) (عذاب الهی فرا رسید) و تمام میوه‌های آن نابود شد و او بخاطر هزینه‌هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دست‌های خود را به هم می‌مالید- در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود- و می‌گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم!»

۴- ظلم: یکی دیگر از موانع برخورداری از رفاه و توسعه اقتصادی ظلم می‌باشد؛ قرآن کریم در مورد مجازات اهالی شهرها و آبادی‌هایی که اهالی آن ظالم هستند، می‌فرماید: وَ كَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (هود: ۱۰۲) و این چنین است مجازات پروردگارتو، هنگامی که شهرها و آبادی‌های ظالم را مجازات می‌کند! (آری)، مجازات او، دردناک و شدید است!

دسته دوم: آیاتی که برخی از مصادیق گناهان را که جنبه اقتصادی دارد و مانع توسعه اقتصادی مطلوب از نظر قرآن است بیان می‌دارد:

۱- ربا: به عنوان یکی از مصادیق گناهان که اثر مستقیم اقتصادی در زندگی انسان دارد و در قرآن کریم از آن به شدت نهی شده است و می‌فرماید: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (البقرة: ۲۷۶) خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد.

۲- اسراف: یکی از مصادیق گناهان با اثر مستقیم اقتصادی می‌باشد، که در سطح کلان به معنای مصرف بی رویه امکانات و نعمت‌های الهی است و یکی از مذموم‌ترین اعمال از دیدگاه قرآن محسوب می‌شود به طوری که اسراف‌کاری به عنوان یک روش فرعون‌ی معرفی شده است: **وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ** (یونس: ۸۳). اسراف در آیات و روایات فراوانی مورد نکوهش قرار گرفته تا آن‌جا که اسراف‌کنندگان اصحاب دوزخ و جهنم به شمار آمده‌اند: **وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ** (غافر: ۴۳).

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ** (الأعراف: ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد!

۳- تبذیر: تبذیر در مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و در راه فساد، مصرف می‌کند و به معنای تلف کردن و تضييع منابع است. به تعبیر دیگر تبذیر آنست که مال در غیر موردش مصرف شود هرچند کم باشد (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۲، ص ۸۷). قرآن کریم در استدلال و تاکید بر نهی از تبذیر می‌فرماید: **إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا** (الإسراء: ۲۷) همانا تبذیر کنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود.

۴- سرمستی از نعمت: به فرمایش قرآن کریم یکی از عواملی که باعث از بین رفتن شوکت و جلال و مواهب مادی قارون گردید، سرمستی مغرورانه‌ای بود که قارون از خود نشان داد چنانچه داریم: **إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ** (القصص: ۷۶) قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.»

۵- کفران نعمت‌های الهی: کفران نعمت علاوه بر ناسپاسی خدا، شامل هرگونه بهره‌گیری انحرافی و سوء استفاده از نعمت‌های الهی نیز می‌باشد (قرائتی، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۷). در قرآن کریم به این مانع مهم در برخورداری از نعمت‌های خداوند اشاره کرده و می‌فرماید: **وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ** (النحل: ۱۱۲) خداوند مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید!

این سرنوشت جامعه‌ای است که کفران نعمت می‌کنند و کفران نعمت، مانعی در راه تداوم برخورداری از نعمت‌های خداوند است، بدون شکر و عمل به دستورات الهی نعمت‌ها پایدار نمی‌ماند، نه تنها رفاه و

آسایش و توسعه اقتصادی محقق نمی‌شود، بلکه موجب زوال نعمت‌های اعطا شده نیز می‌گردد.

مرحله پنجم: آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی

هر چند از دیدگاه قرآن کریم رسیدن به توسعه اقتصادی به عنوان هدف نهایی مطرح نیست، ولی به برخورداری از آن در زندگی دنیایی توجه کرده است، درکنار این توصیه، از آفات و پیامدهایی منفی که در اثر برخورداری از رفاه و توسعه اقتصادی برای انسان پدید می‌آید، به مواردی اشاره کرده است. خواسته قرآن کریم پرهیز و اجتناب از این پیامدهای منفی و آفات نکوهیده می‌باشد، که در این جا به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- رفاه زدگی: یکی از آفات توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم رفاه زدگی می‌باشد؛ گاهی اسراف و فساد و طغیان که از نتایج مستقیم رفاه زدگی می‌باشد، در یک جامعه به اوج خود می‌رسد و تمام ارزش‌های معنوی و تعالیم پیامبران به دست فراموشی سپرده می‌شود. در این صورت است که این جامعه در عین قدرت و شکوفایی به آخر خط رسیده است و ناگهان پایه‌های آن فرو می‌ریزد و آن مردم طغیان‌گر و مفسد و خوش خیال، ناباورانه سقوط جامعه به ظاهر قدرتمند خود را مشاهده می‌کنند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَاذَاهُمْ مُبْلِسُونَ* (انعام: ۴۴) (آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آن‌ها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آن‌ها گشودیم تا (کاملاً) خوشحال شدند، ناگهان آن‌ها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم) در این هنگام، همگی مأیوس شدند (و درهای امید به روی آن‌ها بسته شد)

۲- غرور کاذب: یکی دیگر از آفات توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم غرور کاذب می‌باشد، که افراد بعد از برخورداری از نعمت‌های الهی به آن دچار می‌شوند، قرآن به شدت از آن نکوهش کرده و می‌فرماید: *فَاذًا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ* (الزمر: ۴۹) هنگامی که انسان را زبانی رسد، ما را (برای حل مشکلش) می‌خواند سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می‌گوید: «این نعمت را به خاطر کاردانی خودم به من داده‌اند» ولی این وسیله آزمایش است، اما بیشترشان نمی‌دانند.

۳- طغیان: یکی از آفات‌های بزرگ جوامع و تمدن‌های بشری آن است که با رسیدن به رفاه مادی و داشتن روزی فراوان به طغیان و ستم می‌پردازند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: *وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزَّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ* (الشوری: ۲۷) هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند از این رو به مقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، که نسبه به بندگانش آگاه و بیناست!

۴- فخر فروشی با ثروت: یکی دیگر از آفات برخورداری از رفاه و توسعه اقتصادی فخر فروشی با

ثروت است، قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: **أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ** (التكاثر: ۱-۲) افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید)!

بیان آیه‌ی شریفه مسابقه بر سر بسیاری مال و فخر و مباهات به مال است، که تفاخر عده‌ای را از یاد آخرت بازداشته است (طبرسی، پیشین، ج ۲۷، ص ۲۵۵).

جمع بندی

روش شناسی به عنوان یک نگاه از بالا بر ساختار کلی و نقشه راه و بررسی مراحل پژوهش در ادبیات پژوهشی و تحقیقاتی می‌باشد، که بررسی روش شناختی گفتمان قرآنی یک مفهوم ادبیات خاص خودش را می‌طلبد، چنانکه از این منظر، تدوین نگاه قرآنی به بحث توسعه اقتصادی مطلوب، مستلزم طی نمودن پنج مرحله؛ مفهوم شناسی، مفهوم سازی، استخراج عوامل و موانع و آسیب شناسی توسعه اقتصادی مطلوب می‌باشد.

مفهوم شناسی توسعه اقتصادی با توجه به منابع معتبر علم اقتصاد و دیدگاه‌های اقتصاددانان در این زمینه مطرح می‌باشد و به عنوان یک فرایند صرفاً اقتصادی و به مثابه رشد اقتصادی می‌توان در نظر گرفت، که طی آن ظرفیت‌های تولیدی یک جامعه با تکیه بر به کارگیری، گسترش و درون‌زا کردن دستاوردهای علمی-فنی افزایش می‌یابد. در نتیجه آن را به مفهوم رشد اقتصادی می‌توان در نظر گرفت که در یک کشور افزایش بلند مدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هر چه متنوع‌تر اقتصادی به مردم مد نظر باشد. اما مفهوم سازی توسعه اقتصادی بر مبنای گفتمان قرآنی متناسب با اصول و اهداف توسعه اقتصادی مطلوب و مبتنی بر مقوله‌های اساسی این موضوع می‌باشد.

برای بیان مفهوم مطلوب توسعه اقتصادی با توجه به اصول نظری توسعه اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم می‌توان با توجه به اصل جانشینی انسان از خداوند متعال در روی زمین و اصل توصیه به عمران زمین و نیل به حیات طیبه می‌باشد، یکی از ابعاد توصیه به عمران زمین، استفاده از فنون و روشهای پیشرفته علمی از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تامین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان می‌باشد، که طی نمودن این جریان یکی از تعاریف متناسب با مبانی اسلامی از توسعه اقتصادی می‌باشد.

بر اساس تطبیق روش سیستمی در بحث توسعه اقتصادی می‌توان ورودی‌ها آن را عوامل و موانع توسعه اقتصادی در نظر گرفت، که بر اساس پردازش آیات قرآنی و روایات می‌توان خروجی‌های آن را در سطح خرد، تحقق رفاه و افزایش رزق و روزی مادی و در سطح کلان تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام را در نظر گرفت.

عوامل توسعه اقتصادی براساس گفتمان قرآنی به عواملی که سبب افزایش بهره‌وری و افزایش رفاه و رزق و روزی و نزول برکات است، اشاره دارد، که از نتایج آن توسعه اقتصادی مطلوب می‌باشد. به

طور کلی عوامل توسعه اقتصادی در قرآن کریم به دو دسته کلی مادی و معنوی تقسیم می‌شود؛ که عوامل مادی عبارت از؛ کار، سرمایه، منابع طبیعی و عوامل معنوی از قبیل؛ تقوا، توکل، عمل صالح، شکر گزاری، استغفار و انفاق می‌باشد. فسق، اعراض از خداوند، کفر و شرک، ظلم، ربا، اسراف و کفران نعمت‌های الهی به عنوان موانع توسعه اقتصادی مطلوب مورد اشاره قرآن کریم می‌باشد؛ رفاه زدگی، غرور کاذب، طغیان و فخر فروشی با ثروت از جمله آسیب‌های توسعه اقتصادی می‌باشد.

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

۱. احمد مختار عمر و عبدالعال سالم مکرّم، معجم القرائات القرآنیة، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲. بلاگ، مارک، ترجمه دکتر حمید ناظمیان، نتیجه گیریهای از روش شناسی اقتصاد، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۵، بهار ۱۳۷۷.
۳. توکلی، محمد جواد، روش شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی، معرفت اقتصادی، ش ۳، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۴. خلیلیان، محمد جمال؛ فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۵. دادگر، یدالله، روش شناسی و معرفت شناسی اقتصاد اسلامی، فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۹، ش ۱۱-۱۲.
۶. دیرباز، عسگر، دادگر، حسن، نگاهی به اسلام و توسعه پایدار؛ به سفارش کانون اندیشه جوان، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت .
۸. رجایی، سید محمد کاظم، توسعه به عنوان هدف، نگرش قرآنی، معرفت، ش ۲۸.
۹. رجایی، سید محمد کاظم؛ معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن؛ انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ ۱۳۸۲.
۱۰. روی - اف. هارد، (۱۹۳۸ م)، *Economicjournal, No 48* به نقل از: مارک بلاگ، ترجمه دکتر حمید ناظمیان، نتیجه گیریهای از روش شناسی اقتصاد، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۵، ۱۳۷۷.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، تفسیر جلالین، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۶ ق
۱۲. صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، بی تا، بی جا.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، بی تا، بی جا.
۱۷. عیوضلو، حسین، مبانی روش شناسی و ساختار نظریه های علمی اقتصاد اسلام، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۲ و ۲۳، ۱۳۸۱.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، بی تا، بی جا.
۱۹. کرمی، محمد مهدی، و همکاران، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ تهران.
۲۰. کوزنتس، سیمون، رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قرباغیان (تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲).
۲۱. مصباحی مقدم، غلامرضا، مفهوم توسعه در قرآن و حدیث، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۲.
۲۲. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ مجموعه مقالات اقتصادی؛ انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۸۳ .
۲۳. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن؛ مرکز نشر کتاب؛ تهران؛ ۱۳۸۰.
۲۴. مکارم شیرازی؛ ناصر، تفسیر نمونه؛ دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴.
۲۵. واسطی، عبدالحمید، مجموعه دی وی دی «روش تولید علم دینی (ارائه سیستم های زندگی براساس نگرش اسلام)»، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام؛ مشهد مقدس؛ ۱۳۸۹ .

۲۶. یوسفی، احمد علی، روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی، بی‌تا، بی‌جا.

